

هنر تضمین

تضمین غزلی از حافظ اثر سید علینقی امین

سید حسن امین

ب. تضمین مبهم که نام شاعر اصلی ذکر نشود، چه به کلی در پرده‌ی ابهام بماند و چه به دلیل اشتباه آن شعر و آن شاعر بر خواننده و شنونده روشن باشد.

پ. در قرون اخیر، تضمین کامل اشعار ممتاز متقدمان، معمول شده است و آن چنین است که شاعر تضمین کننده، بر مصرع‌های اول هر بیت از یک غزل یا قطعه یا مثنوی تضمین شده، سه یا چهار مصرع هم‌وزن و هم‌قافیه بسازد و در نتیجه شعر شاعر اصلی را به شکل مسمط چهارمصرعی، یا پنج مصرعی یا شش مصرعی درآورد. از تضمین‌های معروف، تضمین غزلی از ختایی به وسیله‌ی شیخ بهایی ست (مه من نقاب بگشا ز جمال کبریایی)، یا تضمین غزلی از سعدی توسط ملک‌الشعرای بهار (مشنوی دوست که غیر از تو مرا یاری هست).

تضمین کامل غزل متقدمان، کاری بسیار پیچیده است چون تضمین کننده باید یک فضای ادبی کاملاً متفاوت را که نوعاً متعلق به قرن‌ها پیش است و در حال و هوای دنیای کهن ساخته شده است، در ذهن و زبان امروزیین خود و دردها و شادی‌های نسل خود ادغام کند، بی آن‌که بتواند در ابیات شاعر قبلی ادنی دخل و تصرفی کند. ادغام آن اثر قبلی در شعر امروزیین و تلفیق قدیم و جدید به طوری که یک دست و یکپارچه در ذهن شنونده و خواننده جلوه کنند، کار بسیار دشواری است. نمونه‌ی از تضمین‌های موفق، تضمین غزلی از حافظ توسط زنده یاد استاد سید علینقی امین است که آن را به مدح مولا علی (ع) منتقل کرده است و ما آن را عیناً از روی متن دست‌نویس آن زنده‌یاد نقل می‌کنیم.

۲- مخمس تضمین غزل حافظ

در مدح امام متقیان امیر مومنان (ع)

دانی که کیست حافظ کون و مکان یکی ست

اولی پس از پیمبر آخر زمان یکی ست

۱- انواع هنر تضمین در شعر

تضمین در لغت به معنی گنجاندن است. این واژه در اصطلاح ادبی، یکی از آرایه‌های بدیعی ست و عبارت از آن است که شاعر، مصرع یا بیت یا ابیات شاعر دیگری را عیناً به مناسبت در شعر خود بی‌دخل و تصرفی نقل کند. انواع این گونه تضمین بر سه قسم است: الف. تضمین مصرح یعنی هنگامی که شاعر تضمین کننده، نام سراینده‌ی اصلی شعر تضمین شده را در شعر خود بگنجاند. چنان‌که سعدی در مقام تضمین بیتی از فردوسی گفته است:

چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد

که رحمت بر آن تربت پاک باد
«میازار موری که دانه‌کش است
که جان دارد و جان شیرین خوش است»

هم چنین حافظ شیرازی بیتی از کمال الدین اسماعیل اصفهانی را چنین تضمین کرده است:

گر باورت نمی‌شود از بنده این حدیث

از گفته‌ی کمال دلیلی بی‌اورم
«گر برکنم دل از تو بردارم از تو مهر
آن مهر بر که افکنم این دل کجا برم»

سرمایه کم کند که سود درین گیت	مشق حمد بر زبانش تا درویش
بر آستان مشق علی سر نهاده اینر	ما را بسینه شمع من جان در ده اینر
نفس درین برهمنی شش‌شده اینر	ای من فزون آنگه درین زبان گیت
درین اینر در دراز جوریا در سر	کج دلا گرفت و هم از کف برادر سر
کج دلائی رشت بر سر ز یاد سر	عاطف بر آستانه دوست نهاد سر
دوست بر آن سر است که باستان گیت

دست خط شاعر (سید علینقی امین متخلص به ابن امین)

اشتباه در تایپ غزل حافظ

علی اصغر اقتداری - سبزواری

اشتباه ناخواسته اما از روی بی‌دقتی در بخش حافظ‌شناسی مجله روح حافظ را رنجیده خواهد کرد. یادآور می‌شود که در شماره‌ی ۶۸ آن ماهنامه و در صفحه‌ی ۵۲-۵۵ آن، مقاله‌ی با عنوان «حلاج در ذهن و زبان حافظ» نوشته‌ی خانم پرستو یمینی چاپ شد است که از ۲۱ بیت ارایه شده و مورد استناد قرار گرفته، ۱۱ بیت آن از گزند اغلاط تایپی مصون نمانده است که در ذیل ابتدا به موارد مذکور اشاره و سپس درست آن در زیر هر مصراع نوشته می‌شود:

۱- کاین کرامت سبب حشمت و تکمین من است

ص: کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است

۲- سال‌ها دل طالب جام‌جم از ما می‌کرد

ص: سال‌ها دل طلب جام‌جم از ما می‌کرد

۳- او نمی‌دیدش و از ور خدایا می‌کرد

ص: او نمی‌دیدش و از دور خدایا می‌کرد

۴- ثواب روزه و حج قبول آن کس بود

ص: ثواب روزه و حج قبول آن کس برد

۵- طهارت از نه به خون جگر کند حافظ

ص: طهارت از نه به خون جگر کند حافظ

۶- بدین درگاه حافظ را چون می‌خوانند، می‌رانند

ص: بدین درگاه حافظ را چو می‌خوانند، می‌رانند

۷- آن یار کزو گشت سر دار بلند

ص: گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند

۸- گویند رمز عشق مگویند و می‌شنوید

ص: گویند رمز عشق مگویند و م‌شنوید

۹- غیرت عشق زبان هم خاصان ببرید

ص: غیرت عشق زبان همه خاصان ببرید

۱۰- به صوت چنگ بگویم آن حکایت‌ها

ص: به صوت چنگ بگویم آن حکایت‌ها

۱۱- به درد عشق ساز و خموش کن حافظ

ص: به درد عشق بساز و خموش کن حافظ

یعنی علی‌ست پیش تو گر این و آن یکی ست

امروز شاه انجمن دلبران یکی ست

دلبر اگر هزار بود دل بر آن یکی ست

شاهنشاهی که مادر گیتی چو او نژاد

در کعبه چون به عالم هستی قدم نهاد

او عین کعبه گشت و بشد قبله ی مراد

من بهر آن یکی دو جهان داده ام به باد

عیبم مکن که حاصل هر دو جهان یکی ست

صد پاره‌ام نماید اگر جان و دل عدو

با رشته‌ی محبت دلبر کنم رفو

ما راست عشق حیدر و اولادش آبرو

سودائیان عالم پندار را بگو

سرمایه کم کنید که سود و زبان یکی ست

عشاق جمله بر سر راهش فتاده‌اند

بر آستان عشق علی سر نهاده‌اند

ما را به سینه‌ی عشق علی جای داده‌اند

خلقی دهن به دعوی عشقش گشاده‌اند

ای من فدای آن که دلش با زبان یکی ست

ابن امین را رود از خود به باد سر

گنج ولا گرفت و هم از کف بداد سر

گنج ولای راست به هر سر زیاد سر

حافظ بر آستانه‌ی دولت نهاد سر

دولت بر آن سر است که با آستان یکی ست... ■

مخمس نقیضین منزل حافظ در مدح امام متقیان امیر مومنان

دانی که گیت حافظ کون ملکات گیت	اولی پس از پیر آفرینان گیت
یعنی بیست می‌تواند گزین آن گیت	در مرتبه‌ها انجمن دلبران گیت
دلبر اگر هزار بود دل بر آن گیت	شاهنشاهی که مادر گیتی چو او نژاد
در کعبه چون عالم هستی قدم نهاد	او عین کعبه گشت و بشد قبله مراد
من بهر آن یکی دو جهان داده ام باد	عیبم مکن که حاصل هر دو جهان یکی ست
صد پاره‌ام نماید اگر جان و دل عدو	با رشته‌ی محبت دلبر کنم رفو
ما راست عشق حیدر و اولادش آبرو	سودائیان عالم پندار را بگو